



# انقلاب گاوی

امیرحسین کاظمی

اشاره

خواندن تاریخ چندین مزیت دارد؛ یکی از محاسن آن، این است که انسان در مواجهه با رویدادهایی که در زندگی برایش رخ می‌دهد، دچار اضطراب نمی‌شود و طوری با آن برخورد می‌کند که گویا پیش از این با آن حادثه برخورد داشته و آن را تجربه کرده است. قرآن کریم برای این که چنین آمادگی را در انسان ایجاد نماید، داستان‌هایی را از امت‌های پیشین برایمان بازگو کرده و از ما خواسته است در آن داستان‌ها بیندیشیم و از آن‌ها درس بگیریم؛ درس‌هایی که می‌تواند چراغ راه امروز و فردایمان باشد و راه برون‌رفت و مواجهه با بحران‌هایی را که به آن گرفتار می‌شویم، به ما نشان دهد. آنچه در طول سال‌های اخیر تهدیدی جدی برای نظام اسلامی به شمار می‌آید، از جنس تهدیدات نرم است. خداوند در آیات کتاب هدایتش، انواع تهدیدات نرم که جوامع انبیایی پیشین را تهدید می‌کرد برشمرده و نحوه مواجهه انبیا با آن‌ها را نقل نموده است. در شمار مهم‌ترین این تهدیدها می‌توان از فتنه سامری در روزگار حضرت موسی (علیه السلام) نام برد. این نوشتار می‌کوشد با بازخوانی این فتنه بر اساس آیات قرآن، ریشه‌های پیدایش، سیر تحول و فرجام آن را روشن نماید.

**سامری در حرکت تبلیغی خود هم حسن بینایی و هم حسن شنوایی مخاطبان خود را فعال کرد. امروزه نیز کارشناسان تبلیغات به این نتیجه رسیده‌اند که برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، باید این دو حس او درگیر شود.**

## مه‌ره اصلی

سامری آن‌گونه که برخی تفاسیر می‌گویند، فردی است منسوب به شمرون و شمرون فرزند یشاکر، چهارمین نسل حضرت یعقوب است.<sup>۱</sup> بنابراین از خاندان پیامبر بودن، یکی از ویژگی‌های سامری است و چه بسا او از این ویژگی نیز در جریان فعالیت انحرافی خویش استفاده نمود و بخشی از مردم صرفاً به این دلیل که او وابسته به خاندان مهم و تأثیرگذار در اجتماع است، به او گرویدند. پس اولین ویژگی او وابستگی به یک خانواده مهم است.

ویژگی دوم سامری، هنرمند بودنش بود. او در مجسمه‌سازی مهارت داشت و به زیبایی از طلا مجسمه گوساله ساخت، آنچنان که جمع زیادی از بنی اسرائیل تحت تأثیر آن قرار گرفتند تا آنجا که تصور کردند آن مجسمه، خدایشان است.

سومین ویژگی او قدرت وی در اقناع مردم است. او برای قانع کردن مردم از هر وسیله‌ای استفاده کرد و حتی دروغ گفت. او برای آن که مردم بپذیرند آن گوساله، خداست، به دروغ ادعا کرد که این گوساله معبود و خدای موسی نیز است. قرآن از سامری نقل می‌کند که وی خطاب به بنی اسرائیل گفت: **هَذَا إِلَهُكُمْ وَاللَّهُ مُوسَى**؛

از دیگر ابزاری که وی از آن استفاده نمود، مقدسات بود. وی از مقدسات برای رسیدن به هدفش سوء استفاده کرد. قرآن نقل می‌کند که وقتی حضرت موسی، سامری را بازخواست کرد، وی در تبیین روند کار خویش گفت: **فَقَبِضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَمْرِ الرَّسُولِ**. برخی از مفسران با استناد به روایتی که مرحوم ابراهیم بن هاشم قمی در تفسیر خویش نقل کرده است،<sup>۲</sup> می‌گویند منظور سامری این بوده که به هنگام آمدن لشکر فرعون به کنار دریای نیل، من جبرئیل را بر مرکبی دیدم که برای تشویق آن لشکر به ورود در جاده‌های خشک شده دریا، در پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد، قسمتی از خاک زیر پای او یا مرکبش را بر گرفتم و برای امروز ذخیره کردم.<sup>۳</sup> سامری به جای این که از خاک متبرک در مسیر پیروی درست استفاده نماید، آن را به گونه‌ای ناصحیح به کار برد و از مقدسات مردم سوء استفاده کرد.

از دیگر ویژگی‌های او زمان‌شناسی او بود. او دقیقاً هنگامی مردم را به گاوپرستی دعوت کرد که رهبر جامعه یعنی حضرت موسی حضور نداشت. همان‌گونه که قرآن اشاره می‌کند، حضرت موسی برای دریافت وحی و گفت‌وگو با خداوند به کوه طور رفت و با آن که در ابتدا به موسی گفته شده بود که مدت حضورش در کوه طور سی روز است و او نیز زمان غیبت خود را همین مدت اعلام کرده بود، اما بعد خداوند ده روز به این زمان افزود و این مدت به چهل روز افزایش یافت. در شرایطی که بنی اسرائیل از این ماجرا آگاهی نداشتند، شایعه‌پراکنان به دروغ در میان مردم خبر درگذشت موسی را پخش کردند. سامری در این فضا با توجه به توانایی‌ها و جایگاه خاص اجتماعی خویش، تبلیغات خود را شروع کرد و توانست در زمانی کوتاه، جمع زیادی از بنی اسرائیل را به سمت خود بکشد. مرحوم طبرسی در تفسیر خویش از مقاتل نقل می‌کند: همین که از وعده موسی سی و پنج روز گذشت، سامری بنی اسرائیل را وادار کرد که زیورهای عاریتی فرعونیان را جمع کنند و چون جمع کردند، همه را ذوب کرد و به شکل گوساله درآورد. این کار را در روزهای سی و ششم و سی و هفتم و سی و هشتم انجام

داد. سپس در روز سی و نهم آنها را وادار به گوساله‌پرستی کرد. روز چهارم موسی مراجعت کرد.<sup>۴</sup>

سامری در حرکت تبلیغی خود از ابزاری استفاده کرد که حواس مردم را زودتر به خود جذب می‌کرد. او مجسمه‌ای که ساخت، از طلا بود و این مجسمه صدا می‌کرد. علامه طباطبایی می‌فرماید که با توجه به آیه قرآن **«فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجَلًا حِجْسًا لَه خَوَار»**<sup>۵</sup> آن مجسمه حیات واقعی نیافت و صرفاً مجسمه‌ای بود که صدا می‌کرد.<sup>۶</sup> بدین ترتیب، هم حسن بینایی و هم حسن شنوایی مخاطبان خود را فعال کرد. امروزه نیز کارشناسان تبلیغات به این نتیجه رسیده‌اند که برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، باید این دو حس او درگیر شود.

## زمینه اجتماعی

سامری با همه ویژگی‌های فردی خود اگر زمینه مناسبی برای مجسمه‌پرستی در میان بنی اسرائیل نمی‌یافت، به هدف خویش نمی‌رسید؛ اما زمینه اجتماعی مناسب، بستری شد تا سامری بتواند مجسمه‌پرستی را در میان بنی اسرائیل رواج دهد. این زمینه اجتماعی، رسوب‌های تفکراتی بود که در بنی اسرائیل از دوران حضور در مصر باقی مانده بود. مصریان با آن که از نظر صنعت و تمدن مردمانی پیشرفته بودند، اما بت‌پرستی و فرعون‌پرستی در



میانشان رواج داشت و بنی اسرائیل هم که در میان آنان می‌زیستند، در اثر این مرادفات و ارتباطات به بت‌پرستی گرایش داشتند. این تمایل به پرستیدن خدایان دیدنی، آنچنان در میانشان قوی بود که از حضرت موسی خواستند خداوند را به آنان بنمایاند و حتی تهدید کردند چنانچه این خواسته محقق نشود، اصلاً ایمان نمی‌آورند.<sup>۷</sup> همین سابقه ذهنی سبب شد که حتی پس از این که ایمان آوردند، باز تقاضای بت‌پرستی از حضرت موسی داشتند. قرآن می‌فرماید: و پسران اسرائیل را از دریا گذرانیدیم و بر قومی گذشتند که بت‌های خویش را پرستش می‌کردند. گفتند: ای موسی برای ما نیز خدایی بساز، چنان که ایشان خدایانی دارند. گفت: شما گروهی جهالت پیشه‌اید.<sup>۸</sup> این آیه اشاره به دورانی دارد که بنی اسرائیل از مصر و ستم فرعون رهایی یافتند و از دریای سرخ گذشتند و در این

موسی نخست گریبان برادرش را گرفت؛ نه آن که بخواهد او را مقصر بداند، بلکه می خواست به همه بفهماند که وقتی فتنه ای رخ می دهد، همه باید پاسخگو باشند.

موسی نیز با توجه به این شرایط، قاطعانه با تمام کسانی که فریب سامری را خورده بودند، برخورد کرد. از این رو گوساله پرستان به دستور موسی غسل میّت کردند و کفن پوشیدند و به صحرا رفتند و به زانو در آمده، سرها در پیش افکندند و هارون با دوازده هزار مرد که بر دین موسی ثابت و راسخ بودند، شمشیرها کشیده بیامدند و به قتل ایشان مشغول شدند.<sup>۱۱</sup> آسمان نیز به امر خدا تاریک شد تا همدیگر را نشناسند و روابط عاطفی و خانوادگی مانعشان نشود. آنان خویشان و اقربای خود را می کشند، حتی پسر پدر را و پدر پسر را. نقل شده است که از ظهر تا غروب آفتاب هفتاد هزار نفر کشته شدند. شاید این مجازات قدری سنگین به نظر برسد؛ اما گناهی که بنی اسرائیل مرتکب آن شدند، گناهی بسیار سنگین بود. آنان از اصل توحید منحرف شدند و اگر با این فتنه به این قاطعیت برخورد نمی شد، در دوره های بعدی مسئله انحراف از توحید ساده پنداشته می شد. برای این که چنین فتنه ای با این حجم در زمان های بعدی رخ ندهد، می بایست با کسانی که به این فتنه آلوده شدند، با قاطعیت هر چه تمام تر برخورد می شد تا افرادی دیگر هوس نکنند چنین فتنه هایی را برپا کنند و جامعه را ملتهب و بحران زده نمایند.

حضرت موسی درباره ابزار فتنه که همان مجسمه گوساله بود، دستور داد آن را به آتش بکشند و خاکسترش را در دریا بریزند. شاید در نگاه اول این اقدام حضرت موسی نوعی انحصار گرایی و در نقطه مقابل آزادی باشد؛ اما واقعیت آن است که از بین بردن چنین ابزارهایی نه تنها با آزادی تنافی ندارد، بلکه گامی است برای دستیابی به آزادی.

حضرت موسی آنقدر دلایل و نشانه ها از خداوند آورده و فضا را روشن کرده بود که از کسی ادعای ندانستن و نفهمیدن پذیرفته نبود. هیچ فردی نمی توانست از زیر بار گناه آلودگی و گرفتار فتنه شدن شانه خالی کند.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۹۱.
۲. سوره طه، آیه ۸۸.
۳. همان، آیه ۹۶.
۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۳.
۵. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۸۵.
۶. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۶۲.
۷. سوره طه، آیه ۸۸.
۸. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۸.
۹. سوره بقره، آیه ۵۵.
۱۰. سوره اعراف، آیه ۱۳۸.
۱۱. در این که چه کسی مأمور شد آنان را بکشد، اختلاف است: بعضی همانی را که در متن نقل شد می گویند. بعضی گفته اند: خود گوساله پرستان دو صف شده و هر کدام دیگری را می زدند تا هفتاد هزار کشته شد. قول سوم آن است که آنان در تاریکی شدید شب، شروع به کشتن یکدیگر کردند و وقتی هوار روشن شد، معلوم گردید که هفتاد هزار نفر کشته شده اند. (ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱ ص ۱۷۷).

شرایط از موسی می خواهند برایشان بتی بسازد. سامری وقتی شرایط اجتماعی را برای رواج بت پرستی و اوضاع را مطابق میل خویش مناسب دید، کار خویش را شروع کرد و اتفاقاً خیلی زود به نتیجه رسید.

#### فرجام فتنه

خداوند موسی را از غوغای سامری آگاه کرد. او شتابان به سوی قوم خویش بازگشت و با صحنه بت پرستی آن ها مواجه شد. برایش دردناک بود که تمام زحماتش را بر باد رفته و مردم را به وضع پیشین خود بازگشته می دید. موسی نخست گریبان برادرش را گرفت؛ نه آن که بخواهد او را مقصر بداند، بلکه می خواست به همه بفهماند که وقتی فتنه ای رخ می دهد، همه باید پاسخگو باشند. همه باید توضیح بدهند که برای پیشگیری از فتنه چه کردند و وقتی فتنه ای پیش آمد، برای مقابله با آن چه اقدامی انجام دادند. هارون اوضاع را ترسیم کرد. شاهبیت گفته های او این بود که در روند شکل گیری فتنه، نیروهای خودی در اقلیت بودند و با همه تلاش هایی که انجام دادند، نتوانستند از سرایت آن به همه ساختارهای جامعه جلوگیری نمایند و کوشیدند از سرایت آن به همه دست آوردها را از بین ببرند. هارون اشاره می کند که من کوشیدم تا جایی که امکان دارد از نفوذ تفرقه ریشه ای میان بنی اسرائیل جلوگیری کنم.

موسی آن گاه به سراغ اهل فتنه رفت و با عامل اصلی فتنه، ابزار فتنه و فتنه زدگان برخورد کرد. حضرت موسی در برخورد با سامری نخست از او خواست تا سیر اقدامات خود را بیان کند. او نیز با بیان مراحل سامان دادن به فتنه، نقطه محوری و اصلی در این روند را نادانی و جهل مردم برشمرد. حضرت موسی با توجه به این نکته که عوامل فتنه نباید در متن جامعه حضور داشته باشند و ادامه حضورشان در میان مردم می تواند بحران ساز باشد، حکمی که برای او صادر کرد، طرد او از جامعه بود و این طرد آنچنان باید با شدت اجرا می شد که خود سامری نیز از مردم بخواهد که به او نزدیک نشوند.

حضرت موسی درباره ابزار فتنه که همان مجسمه گوساله بود، دستور داد آن را به آتش بکشند و خاکسترش را در دریا بریزند. شاید در نگاه اول این اقدام حضرت موسی نوعی انحصار گرایی و در نقطه مقابل آزادی باشد؛ اما واقعیت آن است که از بین بردن چنین ابزارهایی نه تنها با آزادی تنافی ندارد، بلکه گامی است برای دستیابی به آزادی. ابزارهای حقیقت نما و دروغین که تنها جار و جنجال دارند و پر هیاهویند، اما بویی از حقیقت ندارند و سراب را نشان می دهند نه آب، مانع تفکر آزادانه هستند. ذهن را به اسارت می برند و نمی گذارند انسان به درستی فکر کند و واقع را ببیند. بنابراین اقدام حضرت موسی گامی بود در جهت دسترسی به آزادی که حق همه است.

فتنه زدگان نیز از مجازات موسی در امان نماندند. آنان نیز در شکل گیری و گسترش فتنه مقصر بودند. حضرت موسی آنقدر دلایل و نشانه ها از خداوند آورده و فضا را روشن کرده بود که از کسی ادعای ندانستن و نفهمیدن پذیرفته نبود. هیچ فردی نمی توانست از زیر بار گناه آلودگی و گرفتار فتنه شدن شانه خالی کند. حضرت